

مقایسه ضمائر تهی درون گروه‌های اسمی در فارسی و ایتالیایی

زهرا اسماعیلی فرد

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۴/۸/۲۲

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۱۱/۹

چکیده

در طول قرن‌ها زبان‌شناسان عمدتاً به صرف و ساخت واژه توجه داشتند اما با پیدایش دستور گشتاری مطالعات نحوی و بررسی ساختار جمله اهمیت بسزایی یافت. تا دهه ۷۰ میلادی تمرکز روی جمله بود و از این زمان کم‌کم به مطالعه گروه اسمی هم پرداخته شد. با بررسی دقیق ساختار آن متوجه شباهت‌هایی میان گروه اسمی و گروه فعلی و جمله شدند. ادعای مشابهت ساختار این دو گروه، با توجه به تفاوت‌های زیاد آن‌ها، موجب شد مطالعات مقایسه‌ای انجام گیرد. مقولات تهی یکی از موضوعات مورد بحث در ساختار جمله است و یکی از این مقولات، ضمائر تهی‌اند. مقاله حاضر با مقایسه فارسی و ایتالیایی می‌کوشد نشان دهد ضمائر تهی در ساختار گروه‌های اسمی این زبان‌ها وجود دارد و همان ویژگی‌های کنترلی که در جمله وجود دارد، در گروه‌های اسمی هم دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گروه اسمی، گروه فعلی، مقوله تهی، کنترل، جمله.

مقدمه

با پیدایش دستور گشتاری و توجه گسترده به نحو، جمله و VP، کانون مطالعات مختلف بودند و کمتر به ساختار درونی مقولات دیگر از جمله گروه اسمی توجه می‌شد. با مقاله «Remarks on nominalization» نوام چامسکی در سال ۱۹۷۰ زمینه مناسبی برای مطالعه این مسأله فراهم شد، اما عملاً قریب ۱۰ سال کار جدی و مشخصی صورت نگرفت. در سال ۱۹۷۹ رساله دکتری آندرسن که به ساختار گروه اسمی پرداخته بود، جرقه‌ای برای سوق دادن مطالعات به این سمت شد.

چامسکی در این مقاله این فرض را مطرح کرد که ساختار یک فعل، مثل ساختار اسم متناظر آن است. به نظر او هسته‌های واژگانی مانند V و N دارای مشخصه‌های واژگانی و تاحدی نحوی مشابه یکدیگرند.

این نظر به سادگی پذیرفته نمی‌شد، چرا که تفاوت‌های زیادی در اسم‌ها و افعال دیده می‌شود، اما با پیشرفت بیشتر در مطالعات نحوی و ارائه نظریه‌های جدید و طرح و بسط مفاهیمی چون حالت، حاکمیت، پارامتر و ... و مطالعه افرادی چون آندرسن و چینکوئه، به‌طور دقیق‌تر معلوم شد که گروه‌های اسمی و بندها ویژگی‌های مشترک زیادی دارند.

دو گرایش عمده در بحث‌های مربوط به گروه اسمی وجود دارد:

پژوهشگرانی که به پیروی از آندرسن چینکوئه و میلر، اساساً به شباهت‌های NP و VP و بندها پرداختند.

پژوهشگرانی که معتقدند گروه‌های اسمی به کلی با گروه‌های فعلی و بندها متفاوتند و نقش‌های معنایی که یک اسم می‌تواند به موضوعاتش بدهد، بسیار متفاوت‌تر و وابسته‌تر از نقش‌هایی است که با یک فعل داده می‌شود (جرجی و لونگو باردی ۱۹۹۱).

هر دو این مطالعات موجب بیشتر شناخته‌تر شدن ساختار NP شده است.

در مطالعات اخیر یکی از جنبه‌های ساختار جمله که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، موضوع مقولات تهی است، یعنی رد NP ها، Wh ها، pro ها و PRO ها. این مقاله عمدتاً به شباهت‌های pro و PRO در ساختار گروه‌های اسمی و بندها می‌پردازد.

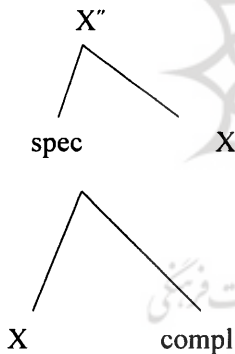
چهارچوب نظری

برای پرداختن به مسأله لازم است چهارچوب نظری کار روشن شود. اساس کار بر مبنای

مقایسه ضمائر تہی درون گروه‌های اسمی... ۷

دستور گشتاری و تحولات آن است. طبق این نظریه که معتقد به دستور جهانی است، یک دسته اصول ثابت جهانی در زبان‌ها حاکم و مشترک است و تفاوت‌های آن‌ها از طریق مجموعه‌ای از پارامترهای دو ارزشی تعیین می‌شود. این مسأله مهم هم در فرایند فراگیری زبان و هم در مطالعه زبان‌ها نقش اساسی دارد. این نظریه دستوری از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است که مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند (همان).

اولین بخش دستور نظریه ایکس تیره است که بر اساس آن یک دسته مقولات واژگانی (مثل N, V, A, P) و یک دسته مقولات غیر واژگانی (مثل $I =$ تصریف نما، $C =$ متمم نما، $D =$ معرفه گر و ...) در زبان‌ها وجود دارد که هسته به شمار می‌آیند. هر هسته، فرافکنی بیشینه‌ای می‌تواند داشته باشد و از یک ساخت سلسله مراتبی برخوردار است که چنین نموداری برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.



هر هسته واژگانی یک تعبیر معنایی یا تتایی به متمم خود می‌دهد و در مورد بعضی هسته‌ها این تعبیر را به جایگاه $spec$ خود نیز می‌دهد. دادن این نقش محلی است. معیار تتا از اصول دستور جهانی است و بر اساس آن به هر موضوعی باید یک نقش تتایی داده شود و هر نقش تتایی باید به یک موضوع داده شود (دبیرمقدم، ۱۳۷۸).

در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی سازه فرمانی جایگاه ویژه‌ای دارد. در کنار آن شروط

مربوط به حاکم، عنصر مورد حاکمیت و محلی بودن، ایفای نقش می‌کنند.

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها برای گروه اسمی مسأله حالت و مشخصه‌های آن است که

براساس آن، هر گروه اسمی که بروز آوایی و واژگانی دارد نیازمند گرفتن یک حالت انتزاعی

است و حالت‌دهی به گروه‌های اسمی یا ساختاری است یا ذاتی. باید توجه داشت که حالت‌های اسم لزوماً رابطه یک به یک با نقش‌های تئایی ندارند. مقوله‌های I, V, P می‌توانند به اسم‌ها حالت دهند، اما مصدرها نمی‌توانند به فاعل خود حالت دهند. در واقع حالت‌های اسم تحت رابطه حاکمیت‌اند.

بر اساس اصل فرافکنی ساختار واژگانی باید بطور مقوله‌ای در هر سطح نحوی بازنمایی شود، یعنی معیار تئایی در ژ-ساخت، ر-ساخت و LF (صورت منطقی) باشد. اهمیت این امر به دلیل قدرت پیش‌بینی آن است. بنابراین اگر موضوعی در جایگاه خاصی فهمیده می‌شود، باید همانجا باشد، حتی اگر بروز آوایی نداشته باشد و اگر آنچه فهمیده می‌شود یک حالت باشد، پس یک مقوله تئایی است. براساس این اصل حرکت یک فرافکن بیشینه فقط به یک جایگاه غیر تئایی مجاز است، چون اگر جایگاهی تئایی باشد در ژ - ساخت آن جایگاه پر شده است.

در نظریه مرجع‌گزینی به توزیع گروه‌های اسمی در روابط هم مرجعی پرداخته می‌شود. براساس دو معیار دو ارزشی + یا - مرجعداری و + یا - ضمیری گروه‌های اسمی را به سه دسته مرجعدارها، ضمائر و عبارات‌های ارجاعی تقسیم می‌کنند و برای هر دسته اصول مرجع‌گزینی خاصی ارائه می‌گردد. عبارات‌های ارجاعی و ضمائر دارای ارجاع ذاتی‌اند و می‌توانند مرجع گسسته داشته باشند. مرجعدارها فاقد ارجاع ذاتی‌اند و نمی‌توانند مرجع گسسته بپذیرند و نحو باید توزیع آن‌ها را مشخص و محدود کند و پابند کردن آن‌ها بر اساس مقوله حاکمیت و سازه فرمانی محلی است.

مقولات تئایی بر اساس همین معیارهای مرجع‌گزینی سنجیده می‌شوند و رد به جا مانده از حرکت Wh ها، مانند اسم‌ها جزء عبارات ارجاعی‌اند. رد به جا مانده از حرکت NP ها و ضمائر دو سویه و ضمائم انعکاسی، جزء مرجعدارها و ضمائر فاعلی یا مفعولی محذوف جزء ضمائرند. در مورد ماهیت فاعل بندهای بی‌زمان که معمولاً با PRO نشان داده می‌شود، بحث‌های زیادی وجود دارد که ویژگی + ضمیری + مرجعداری دارد چون از یکسو هیچ ارجاع ذاتی ندارد و از سوی دیگر مرجع آن درون بند PRO نیست. به همین دلیل چامسکی آن را مرجعدار ضمیری خوانده است (دبیرمقدم، ۱۳۷۸).

ردها تحت حاکمیت‌اند و مرجع رد، در جایگاه تئایی نیست و فاصله بین رد و مرجع آن،

مقایسه ضمائر تہی درون گروه‌های اسمی... ۹

منطبق با اصل همجواری است. اما ضمیر انتزاعی تحت حاکمیت نیست (دبیرمقدم، ۱۳۷۸).
بر اساس این اصول به مطالعه ضمائر تہی درون گروه‌های اسمی و مقایسه آن با فاعل تہی بندهای زمان‌دار یا بی‌زمان در ایتالیایی و فارسی پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی

مقولات تہی، از موضوعات پیچیده‌ای هستند که تلاش و اندیشه زبان‌شناسان بسیاری را به خود معطوف کرده و تحلیلهای متعددی دربارهٔ آن‌ها ارائه شده است و زمینه طرح ساخت‌هایی را به نام ساخت‌های کنترلی پدید آورده‌اند. در ایتالیایی و فارسی هم به این موضوع کم و بیش پرداخته شده است، در اینجا قصد داریم ضمن نشان دادن مشابهت ساختار گروه اسمی و جمله، وضع ضمائر تہی را در آن‌ها بررسی کنیم.

در زبان ایتالیایی

گولیمو چینکوئه در سال ۱۹۸۰ مسأله‌ای را مطرح کرد که به نام تعمیم چینکوئه معروف شد. بنا بر نظر، او در زبان ایتالیایی هیچ عنصری از عبارتی که هسته آن N است، نمی‌تواند با حرکت Wh یا مبتداسازی بیرون برده شود، مگر آن که فاعل NP باشد. بنابراین گروه اسمی می‌تواند فاعل داشته باشد. حال باید دید که آیا می‌تواند فاعل تہی هم داشته باشد یا خیر؟ این فاعل تہی همان pro است. تمایز pro و PRO در کنترل اختیاری است که می‌تواند در این بحث نادیده گرفته شود. جملات مجهول یکی از ساخت‌هایی است که شباهت گروه اسمی را به جمله نشان می‌دهد:

1-a- Gli invasori distrussero la città`

b- La città` fu distrutta dagli invasori

2- a- La distruzione della città` dagli invasori

b- La distruzione degli invasori della città`

۱- الف- مهاجمان شهر را ویران کردند

ب- شهر توسط مهاجمان ویران شد

۲- الف- ویرانی شهر توسط مهاجمان

ب - ویرانی مهاجمان شهر (این ترجمه جمله ایتالیایی است و در آن زبان ساخت درستی است و منظور آن ویرانی شهر است که توسط مهاجمان انجام گرفته است) همانطور که می‌بینیم گروه‌های اسمی می‌توانند درست مثل جمله، حالت مجهولی بگیرند.

اثبات وجود فاعل‌های تهی درون گروه اسمی

شاهد اول استفاده از *proprio* است که یک مرجع‌دار فاصله‌دار متمایل به فاعل است در ساختار جمله و گروه اسمی:

a- *Ho consigliato a Maria ; un'attenta indagine sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri ; genitori (da parte della polizia)*

به ماریا تحقیق دقیقی را توصیه کردم درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند

b-**Ho consigliato a Maria ; un'attenta indagine da parte del suo avvocato sui fatti che avvano portato all'arresto dei propri ; genitori*

به ماریا تحقیقی توسط وکیلش را درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند توصیه کردم

c-**Ho promesso a Maria ; un'attenta indagine sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri ; genitori*

به ماریا قول تحقیق دقیقی را درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند، دادم در جمله a- *propri* به مفعول با واسطه ارجاع می‌دهد و برای مرجع‌دار چنین ارجاعی غریب است، مگر آنکه فرض کنیم مرجع‌گزینی به طور غیرمستقیم و با میانجیگری مقوله تهی هم مرجع با ماریا، در جایگاه فاعل گروه اسمی انجام گرفته است. جمله b- این نظر را تأیید می‌کند، چون وقتی عامل تحقیق آشکارا بیان می‌شود، دیگر ماریا نمی‌تواند مرجع *propri* باشد. در جمله، c- چون فعل قول دادن کنترل مفعولی نمی‌پذیرد، ماریا هم مرجع *propri* فهمیده نمی‌شود. همین تقابل را در جملات مصدری متناظر این NP می‌بینیم.

a- *Ho consigliato a Maria ; di indagare attentamente sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri ; genitori*

به ماریا توصیه کردم درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند دقیقاً تحقیق کند

b- *Ho consigliato a Maria ; che il suo avvocato ; indagasse attentamente sui*

fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا توصیه کردم وکیلش درباره موضوعاتی که منجر به بازداشت والدینش شدند دقیقاً تحقیق کند

c-* Ho promesso a Maria di indagare attentamente sui fatti che avevano portato all'arresto dei propri genitori

به ماریا قول دادم درباره موضوعاتی که به بازداشت والدینش منجر شدند دقیقاً تحقیق کنم در جمله a- ماریا که فاعل نیست به کمک PRO که هم مرجع با ماریاست، برای propri مرجع مناسب می‌شود. در جمله b- فقط وکیل می‌تواند propri را پایبند کند. در جمله c- ساخت کنترل فاعلی است و ضمیر تہی با یک فاعل اول شخص کنترل می‌شود و نمی‌تواند propri را که یک مرجعدار سوم شخص است، پایبند کند. می‌بینیم که فاعل بیان نشده یک گروه اسمی از نظر نحوی مثل ضمیر تہی در جملات عمل می‌کند.

شاهد دوم امکان داشتن مرجع گسسته است. در ایتالیایی pro هم می‌تواند در کنترل اجباری و هم در اختیاری مرجع گسسته بگیرد، بشرطی که هر دو مرجع آن را سازه فرمانی کنند.

a - Gianni _j voleva che Maria _i si convincesse che era ora di PRO liberare se stessi _{j+i} da quell'imbarazzante situazione

جانی می‌خواست ماریا متقاعد شود که زمان آزاد شدن آن‌ها از آن موقعیت دشوار فرا رسیده بود
b- [La madre di Gianni _j] _k voleva che Maria _i si convincesse che era ora di PRO liberare se stesse _{k+i} /*se stessi _{j+i} da quell'imbarazzante situazione
مادر جانی می‌خواست ماریا متقاعد شود که زمان آزاد شدن آن‌ها از آن موقعیت دشوار فرا رسیده بود

c- Gianni ha proposto a Maria _i di PRO _{i+j} partire insieme per Milano

جانی به ماریا پیشنهاد کرد تا با هم به میلان بروند

d- [La madre di Gianni _j] _k ha proposto a Maria _i di PRO _{i+k} /*_{k+j} / _{j+i} partire insieme per Milano

مادر جانی به ماریا پیشنهاد کرد تا با هم به میلان بروند

در جمله a- صرف‌نظر از خوانش اختیاری مرجعدار جمع مذکر *se stessi* هم جانی و هم ماریا را به عنوان مرجع خود می‌پذیرد، اما این در جمله b- غیرممکن است و مادر جانی و ماریا مرجع‌های گسسته *se stesse* هستند. چون داشتن مرجع گسسته برای مرجعدارهای واژگانی ممنوع است، پس امکان خوانش اخیر باید به PRO فاعل مصدر نسبت داده شود.

همین نتایج را در ساخت دارای گروه اسمی هم می‌بینیم:

a-Gianni_j voleva che Maria_i sapesse che era arrivata finalmente l'ora della liberazione di se stessi_{i+j} /arb dalla schiavitù`

جانی می‌خواست ماریا بداند که بالاخره زمان آزادی آن‌ها از بردگی فرا رسیده بود

b- [La madre di Gianni_j]_k voleva che Maria_i sapesse che era arrivata finalmente l'ora della liberazione di se stesse_{i+k} / * se stessi_{i+j} / *arb dalla schiavitù`

مادر جانی می‌خواست ماریا بداند که بالاخره زمان آزادی آن‌ها از بردگی فرا رسیده است

در جمله a- هم امکان خوانش اختیاری هست و هم جانی و ماریا می‌توانند مرجع ضمیر باشند. در b- تنها مادر جانی و ماریا می‌توانند مرجع *se stesse* باشند و امکان خوانش اختیاری هم وجود ندارد.

آزمایش مشابه با *insieme* که یک ادات معمولی است و مستلزم یک مرجع محلی غیر گسسته جمع است، همین مطلب را دربارهٔ گروه اسمی نشان می‌دهد:

a- Gianni_j ha proposto a Maria_i un viaggio insieme_{i+j} a Milano

جانی به ماریا پیشنهاد سفری با هم به میلان را داد

b- [La madre di Gianni_j]_k ha proposto a Maria_i un viaggio insieme_{k+i} / *_{j+i} a Milano

مادر جانی به ماریا پیشنهاد سفری با هم به میلان را داد

شاهد سوم، رفتار گروه اسمی در کنترل به عقب است که همانند مصدرهاست.

a- Conoscere se stesso_i ; e` stato molto utile a Mario_i

شناختن خود برای ماریو خیلی مفید بود

b- La conoscenza di se stesso_i ; e` stata molto utile a Mario_i

شناختن خود برای ماریو خیلی مفید بود

مقایسه ضمائر تھی درون گروه‌های اسمی... ۱۳

c- Conoscere se stesso e' stato molto utile alla carriera di Mario

شناختن خود برای شغل ماریو خیلی مفید بود

d- La conoscenza di se stesso e' stata molto utile alla carriera di Mario

e- * Conoscere se stesso e' stato molto utile alla madre di Mario

f- * La conoscenza di se stesso e' stata molto utile alla madre di Mario

مثال‌ها نشان می‌دهد که باید یک فاعل تھی در گروه‌های اسمی باشد تا se stesso که

یک مرجع‌دار مذکر است با آن مطابقت کند.

شاهد چهارم مسأله امکان مرجع‌داری درونه گیری شده در یک NP برای کسب یک

خوانش اختیاری است، در شرایطی که اگر جز این باشد، توجیه‌پذیر نیست.

a- PRO_{arb} Conoscere se stessi_{arb} e' importante

b- Mario ti convincera` dell'importanza della conoscenza di se stessi_{arb}

ماریو تو را نسبت به اهمیت شناخت خود متقاعد خواهد کرد

c- Gianni ritiene che la conoscenza di se stessi_{arb} sia importante

جانی فکر می‌کند که شناخت خود مهم است

d- Mario ti convincera` dell'importanza di PRO_{arb} conoscere se stessi

e- Gianni ritiene che PRO_{arb} conoscere se stessi sia importante

اگر مرجع‌دار واژگانی se stessi با یک عنصر اختیاری و دلخواهی پایبند نشود، این

جملات نمی‌توانند خوانش اختیاری داشته باشند. پس مجبوریم فرض کنیم یک مقوله تھی

اختیاری در جایگاه فاعل مصدر و اسم شناختن وجود دارد و باز هم رفتار مشابه این عنصر

تھی را در هر دو ساخت دارای اسم و مصدر می‌بینیم. بنابراین وجود فاعل تھی در گروه‌های

اسمی پذیرفته می‌شود.

در بحث ما عمدتاً مصدر و گروه اسمی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند که در زبان‌ها رواج

بیشتری دارند، اما در ایتالیایی علاوه بر این‌ها صورت‌های فعلی دیگری چون gerundio

و participio passato هم وجود دارند که فاعل آن‌ها تھی است و در بحث کنترل از پرداختن

به آن‌ها خودداری شده است. دامنه کاربردشان وسیع است و به ذکر چند مثال اکتفا می‌شود تا

فقط به مسأله وجود فاعل تھی در آن‌ها اشاره شود:

Gerundio:

a-Carlo mangiava PRO ascoltando la radio

کارلو در حالی که به رادیو گوش می‌کرد غذا می‌خورد

b- PRO Avendo visto l'incidente non potei dormire

با دیدن تصادف نتوانستم بخوابم

c- Noi ritorneremo piu' presto PRO prendendo un taxi

ما با تاکسی سوار شدن زودتر خواهیم رسید، یا اگر تاکسی سوار شویم زودتر خواهیم رسید

Participio passato

a-PRO Visto Luigi Carlo uscì di casa

کارلو پس از دیدن لوئیجی از منزل خارج شد

b- Dopo PRO aver scritto la lettera la imbucò Maria

ماریا پس از نوشتن نامه، آن را پست خواهد کرد

علاوه بر این، ساخت کترلی در ایتالیایی از طریق وجه التزامی هم بیان می‌شود:

Ho deciso che partecipi al congresso

تصمیم گرفتم در کنگره شرکت کنم

در همه مثال‌های بالا ما شاهد کنترل فاعلی هستیم، اما چون موضوع مورد نظر ما صرفاً بررسی مسأله فاعل تھی در گروه‌های اسمی و جمله بود، از پرداختن به این‌ها فعلاً صرف نظر می‌کنیم.

در زبان فارسی

در فارسی هم مقولات تھی مختلفی وجود دارد، زیرا زبان فارسی هم مثل ایتالیایی یک زبان ضمیرانداز است. در فارسی بحث کنترل در ساخت‌های التزامی مطرح است:

تصمیم گرفتم خانه جدیدی بخرم

آن‌ها تصمیم گرفتند شهر را هر چه زودتر ترک کنند

بنابراین در صورتی که بخواهیم مطالعه مشابهی در فارسی انجام دهیم، باید فاعل تھی

گروه‌های اسمی را هم با فاعل تھی مصدرها در بندهای بی‌زمان و هم با فاعل تھی در

مقایسه ضمائر تہی درون گروه‌های اسمی... ۱۵

ساخت‌های التزامی مقایسه کنیم. کاربرد مصدر به صورت بند بی‌زمان در فارسی بسیار محدود است و قابل مقایسه با کاربرد گسترده آن در ایتالیایی نیست.

نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مساله «خود» در فارسی است این مرجعدار هم کاربرد انعکاسی دارد و هم کاربرد تأکیدی، به همین دلیل سعی شد به طور محدود از آن استفاده شود.

این شواهد برای نشان دادن شباهت گروه اسمی به جمله در فارسی ارائه می‌شود:

- مجهول‌سازی:

الف- بچه‌ها دیوار را نقاشی کردند

دیوار توسط بچه‌ها نقاشی شد

ب- نقاشی بچه‌ها روی دیوار

نقاشی دیوار توسط بچه‌ها

عبارت‌های الف و ب هم معنایند و ارتباط گشتاری آن‌ها قابل مشاهده است. ساختار مضاف و مضاف‌الیهی همان نقشی را دارد که فاعل صوری در جملات بالا داشت.

- تعامل با قید بعد ، یا بعداز:

الف- حسن تصمیم گرفت بعد از خواب بیشتر کار کند

حسن تصمیم گرفت بعد از خوابیدن بیشتر کار کند

حسن تصمیم گرفت بعد از این که خوابید، بیشتر کار کند

ب- حسن که بعد از خواب سر حال بود، بیشتر کار کرد

حسن که بعد از خوابیدن سر حال بود، بیشتر کار کرد

- ساخت اضافی:

در اسم‌های متناظر فعل، فاعل آشکار گروه اسمی به صورت ساختار مضاف و

مضاف‌الیهی ظاهر می‌شود:

کوشش حسن بسیار بود

اثبات وجود فاعل های تهی در گروه اسمی

شاهد اول استفاده از مرجعدار یکدیگر که مرجع گسسته می‌گیرد:

الف- حسن i می‌خواست حسین z بفهمد که زمان PRO بخشیدن یکدیگر $z+k$ فرا رسیده است

ب- حسن می‌خواست حسین بفهمد که زمان بخشش یکدیگر فرا رسیده است

ج- حسن می‌خواست حسین بفهمد که زمان آن رسیده که یکدیگر را ببخشند

د- [برادر حسن i] k می‌خواست حسین z بفهمد که زمان بخشیدن یکدیگر $z+k$ فرا رسیده است

در جمله‌های الف ب و ج وجود ضمیر تهی موجب می‌شود که حسن و حسین بتوانند مرجع «یکدیگر» قرار گیرند و در جمله د این مسأله کاملاً روشن می‌شود.

استفاده از ادات با هم که ساختار مشابه مرجعدار یکدیگر را نشان می‌دهد:

الف- حسن i به حسین z پیشنهاد کرد با هم به شیراز $z+k$ PRO عزیمت کنند

ب- حسن عزیمت با هم به شیراز را به حسین پیشنهاد کرد

ج- [برادر حسن i] k به حسین z پیشنهاد کرد با هم به شیراز $z+k$ PRO عزیمت کنند

می‌بینیم که در جمله ج حسن و حسین نمی‌توانند مرجع ضمیر تهی باشند

آزمایش دوم کنترل به عقب است:

الف- شناخت خود برای احمد بسیار مفید بود

ب- شناختن خود برای احمد بسیار مفید بود

ج- شناخت خود k برای [مادر احمد] k خیلی مهم بود

در این جمله‌ها ناچاریم قائل به یک فاعل تهی برای شناخت و شناختن بشویم، تا مرجع

خود باشد.

آزمایش سوم خوانش اختیاری است:

الف- حسن مرا متقاعد کرد که شستشوی خود arb برای سلامتی لازم است

ب- حسن مرا متقاعد کرد که شستن خود arb برای سلامتی لازم است

ج- حسن مرا متقاعد کرد برای سلامتی لازم است خود arb را بشویم

مقایسه ضمائر تهی درون گروه‌های اسمی... ۱۷

الف- حسن تو را به اهمیت شناخت خود arb مطمئن می‌کند
ب- حسن تو را متقاعد می‌کند که خود arb را شناختن مهم است
ج- حسن تو را متقاعد می‌کند که مهم است خود را بشناسیم
در این جمله‌ها مرجعدار خود با یک عنصر دلخواهی پایبند شده که خوانش اختیاری می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در هر دو زبان شواهدی دال بر وجود فاعل برای گروه‌های اسمی می‌بینیم که می‌تواند آشکار یا تهی باشد. همچنین مشابهت عملکرد این فاعل‌های تهی با ضمیر تهی در جمله‌ها و ساخت‌های کنترلی نشان می‌دهد که:

- فاعل‌های تهی گروه‌های اسمی هم مانند pro ها به سازه فرمانی حساسند:

Gianni persegue la conoscenza di se stesso

جانی شناخت خود را پی می‌گیرد

Gianni pensa di conoscersi / conoscere se stesso

جانی به شناختن خود می‌اندیشد

مطابقت مرجعدار se stesso با جانی این حساسیت به سازه فرمانی را نشان می‌دهد.

- کنترل مفعولی برای هر دو ممکن است :

Ho incoraggiato Gianni allla conoscenza di se stesso

بنابراین هر دو زبان فارسی و ایتالیایی دلایلی را در تأیید شبیه بودن ساختار گروه اسمی و گروه فعلی ارائه می‌دهند که با مطالعه گروه‌های دیگر واژگانی، می‌توان مسأله را دنبال کرد و دید تا چه حد ادعای چامسکی در این زمینه درست است.

منابع

- ۱- دبیرمقدم، م، زبانشناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران، سخن، ۱۳۷۸.
- 7- Anderson, M., *Noun Phrase Structure*, PhD dissertation, university of Connecticut, 1979.
- 8- Burzio, L., *Italian syntax : a GB Approach*, Reidel , Dordrecht, 1986.
- 9- Chomsky, N., "*Remarks in nominalization*" in R. Jacobs and P. Rosenbaum

- (eds), *Reading in English, Transformational Grammar*, 184-221, Waltham, MA:Blaisdell, 1970.
- 10- ———, *On Binding*, *Linguistic Inquiry*, 11, no1, 1-46, 1980.
- 11- ———, h. Lasnik, *Null Case the Theory of Principles and Parameters, In syntax*, Ed. Joachim Jacobs ,et al. Berlin : Walter de Gruyter,1993.
- 12- Cinque ,G., *On Extraction from NP in Italian*, *Journal of Italian Linguistics*, 5, 47- 99, 1980.
- 13- ———, *Sulla nozione di soggetto di sintagma nominale in italiano*, *Cultura Neolatina*, 41, 1981.
- 14- Delmonte, R., *Grammatica e quantificazione in LFG*, *Quaderni Patavini di Linguistica*, 10, 3-71, 1991.
- 15- Giorgi, A., Giuseppe Longobardi, *The syntax of Noun Phrases*, Cambridge University press, Cambridge, 1991.
- 16- Ghomeshi, J., *Projection and inflection : A study of Persian phrase structure*, Toronto, Ontario, 1996.
- 17- Hornstein N, *Movement and Control*, *Linguistic Inquiry*, 69-96, 1999.
- 18- ———, *chapter one On Control*, forthcoming in R. Hendriks(ed.), oxford, 1997.
- 19- Kayne, R., *Connectedness*, *Linguistic Inquiry*,14, 223-49, 1983.
- 20- ———, *Connectedness and Binary Branching*, Foris, Dordrecht, 165-192, 1984.
- 21- Manzini, M.R., *On Control and Control Theory*, *Linguistic Inquiry*,14,421-46, 1983.
- 22- ———, Anna Rossou, *A minimalist theory of A-movement and control*, *Lingua*, 110, 409-47, 2000.
- 23- Martin, R., *Null case and the Distribution of PRO*, *Linguistic Inquiry*, 32, 141-65, 2001.
- 24- Polinsky, M., eric Potsdom, *Backward Control*, *Linguistic Inquiry*, 33, 245-82, 2002.
- 25- Radford, A., *Transformational Grammar*, Cambridge University press, Cambridge, 1988.
- 26- Speas, M., Economy , *Agreement and the Representation of Null Arguments*, university of Massachusetts , Amherest,1995.